

خانواده ام باشم اما مرا به این جا می آورند و با دارو آرامم می کنند.

هنوز گوش هایم سوت می کشد

سید علی اکبر حسینی از دیگر جانبازانی است که در این بیمارستان بستری است. دقایقی پای صحبت های او می نشینم: از «مه ولات» به عنوان بسیجی داوطلب عازم جبهه شدم. تنها فرزند خانواده بودم در عین حال پدر و مادرم از رفتنم به جبهه استقبال می کردند و به همین خاطر من هم با انگیزه بیشتر خودم را برای دفاع از کشورم آماده کرده بودم. مدتی در کردستان و مدتی در جبهه های جنوب حضور داشتم و در عملیات کربلای ۵ مجروح شدم. در آن عملیات راننده مینی بوسی بودم که همه صندلی های آن را باز کرده بودند تا مجروحان و شهدا را سوار و به عقب منتقل کنیم. آن جا بود که هم به خاطر همجواری با مجروحان شیمیایی شیمیایی شدم و هم به خاطر بمباران هوایی عراق اعصاب و روانم آسیب دید. چند ماهی مشکل شنوایی پیدا کردم و گوش هایم چیزی نمی شنید. به مرور شرایطم بهتر شد اما هنوز هم گوش هایم سوت می کشد.

ما و مسئولیتی که بر عهده داریم

محمدعلی سرفراز، یکی از کارشناسان مددکاری این بیمارستان است که از سال ۱۳۷۰، یعنی ۲۳ سال قبل، خدمتگزاری به این جانبازان را انتخاب کرده است. دقایقی با او به گفت و گو می نشینیم تا از شرایط کار در این بیمارستان برایمان بگوید: در این بیمارستان ۲ گروه از جانبازان تحت مداوا قرار می گیرند. گروه اول جانبازان روزانه هستند که حدود ۲۵ نفرند. این عزیزان برای نظارت بر روند درمان و ویزیت پزشکان به بیمارستان مراجعه می کنند و با هماهنگی خانواده های شان، در صورت نیاز به طور موقت بستری می شوند. اما حدود ۳۰ نفر از جانبازان اعصاب و روان این بیمارستان شرایطی دارند که به حمایت شبانه روزی نیاز دارند و خانواده های شان نیز توان نگهداری مداوم از آنها را ندارند. به همین دلیل در بیمارستان بستری می شوند اما در بازه های زمانی معین به مرخصی می روند و در صورت صلاحدید مرخص هم می شوند. در این بیمارستان روان پزشک، پزشک متخصص، کارشناس کاردرمانی، بهیار، مسئول بخش و تعدادی نیروی خدماتی حضور دارند و همگی تلاش می کنیم با مراقبت و نگهداری از این جانبازان، وظیفه ای را که در قبال آن ها بر عهده داریم انجام دهیم. کلاس های کاردرمانی، جلسات مشاوره برای خانواده های جانبازان، برنامه ریزی برای پرکردن زمان های روزانه جانبازان و برگزاری کلاس های آموزشی، بخشی از کارهایی است که در این بیمارستان برای جانبازان اعصاب و روان انجام می شود. کار در این محیط ویژگی های خاصی دارد. هرچند خدمت به بیماران در همه حال ارزشمند است اما وقتی از خدمت به جانبازان صحبت به میان می آید شرایط متفاوت می شود. این که می توانیم به جانبازانی خدمت کنیم که سلامت روحی خود را در راه خدا برای حفظ کیان این کشور و به خاطر مردم این خاک هزینه کرده اند و امروز به خاطر آسیب روح و روان تحت درمان قرار دارند برایمان اهمیتی دوچندان دارد و امیدواریم بتوانیم به وظیفه ای که بر عهده داریم به خوبی عمل کنیم.

کمبود تخت های درمانی

حاجی نیا یکی دیگر از کارشناسان کاردرمانی این بیمارستان است. صحبت های او هم درباره کار در این مرکز شنیدنی است: در این مرکز ۳۰ تخت فعال داریم اما ما برای خدمت رسانی به جانبازان اعصاب و روان بیش از این تعداد نیاز داریم. همیشه تعدادی از جانبازان اعصاب و روان در فهرست نوبت دهی قرار دارند اما ما امکان خدمت رسانی به آن ها را نداریم. اگر حدود ۳۰ تخت دیگر به تعداد تخت های بیمارستان افزوده شود از بخشی از مشکلات



ما نیز کاسته می شود و می توانیم خدمات بهتر و مناسب تری به این عزیزان و خانواده های آن ها ارائه کنیم. از او درباره شرایط این جانبازان هم سوال می کنم که می گوید: گاهی پیش می آید که این جانبازان متوجه اعمال و رفتاری که از خود بروز می دهند نمی شوند. به همین خاطر لازم است همیشه من و همکارانم در کنار آن ها باشیم. حتی زمان هایی پیش می آید که آن ها با هم درگیر می شوند که با دخالت ما موضوع ختم به خیر می شود. این جانبازان پس از سپری کردن یک دوره درمانی، با نظر پزشک به مرخصی